



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۰، دوره ۴، شماره ۱، صص ۹۹-۱۱۳

بررسی چرایی فقدان شهر و فقدان نظریه پایه تعریف شهر در ایران

محمد جعفری

فارغ التحصیل مقطع کارشناسی رشته حسابداری، شهرداری شهباز

jafari.audit@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

چکیده:

تعاریف و برداشت های مختلفی از شهر وجود دارد که دارای تشابهات و تفاوت هایی است. طبق ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری ایران، شهر، محلی (مکانی) است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی مشخص واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل دارای سیمایی با ویژگی های خاص خود است، به طوری که اکثریت ساکنان دائمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، خدمات و فعالیت های اداری اشتغال داشته و در زمینه خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردارند. شهر کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه نفوذ پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت است. یا مکان تجمع عده کثیری از مردم با سلاقی، افکار، رفتار و... متفاوت می باشد. از نظر کالبدی، شهر جایی است که دارای ساختمان های بلند، خیابان ها، پارک ها، ادارات، زیرساخت ها و تاسیسات شهری و... می باشد. در بعد اقتصادی نیز شهر جایی است دارای وجه غالب اشتغال صنعتی، خدماتی و سبک مصرف و زندگی یا شیوه تولید متفاوت از روستا است. اما با این حال در ایران فقدان شهر و فقدان نظریه پایه تعریف شهر در ایران وجود داشته است که نگارنده به روش توصیفی- تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای به چرایی این موضوع پرداخته است.



شاپا الکترونیکی: ۲۶۴۵-۳۸۵۱

واژگان کلیدی: شهر، برنامه ریزی شهری، توسعه شهری، دولت، ایران

۱- مقدمه

نظام مدیریت شهری به عنوان یک سیستم فراگیر و گسترده بر ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... تاثیر فراوانی دارد. در صورت برقراری یک نظام مطلوب مدیریت شهری می توان انتظار داشت که بهره وری در جامعه افزایش یافته، موانع رشد و توسعه همه جانبه به حداقل رسیده، همکاری و مشارکت عموم شهروندان جلب شده و آرمان ها و خواسته های عمومی در مورد شهر، در یک شرایط رقابتی، محقق گردند. از ابتدای ورود رویکرد نوین مدیریت شهری به ایران، یعنی از ابتدای مشروطیت، ساختار و نظام مدیریت شهری در ایران با الهام از ساختار مدیریت شهرها در کشورهای اروپایی، از جمله فرانسه و بلژیک، شکل گرفت (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۱۲۹). اما امروزه دیگر دیدگاهی که قبلا معتقد بوده با اتکا بر استانداردهای وارداتی و اعمال روشهای صرف علمی می توان کلیه مسائل شهری را حل کرد، بر خلاف کشور ما، در دنیا طرفداران چندانی ندارد (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۲۸ و براتی ۱۳۸۶: ۲۲). بنابراین می بایست نسبت به شناسایی موانع و چالش های فرا روی مدیریت شهرها در ایران اقدام نمود تا بتوان با تکیه بر شناخت آنها نسبت به تدوین هر چه بهتر ویژگی ها و خصائص مدیریت مطلوب شهری در ایران اهتمام ورزید.

۲- مبانی نظری:

۲-۱- تعریف برنامه ریزی شهری

برنامه ریزی^۱ بر اساس حوزه یا میدان عمل و موضوع در سطوح مختلفی انجام می شود مانند برنامه ریزی ملی یا سرزمینی-منطقه ای و محلی. (از نظر سطح بندی برنامه ریزی شهری در مفهومی که در ایران به صورت تهیه طرحهای توسعه شهری انجام میگیرد نوعی برنامه محلی است). در برنامه ریزی شهری با توجه به اقتصاد و عملکرد عوامل شهری نحوه استفاده از راضی-محلله بندی-مسکن-ترافیک-فضای سبز و... در رابطه با جمعیت و عملکرد شهر مورد بررسی قرار می گیرند.

۲-۲- برنامه ریزی شهری: ماهیت و سیر تحول آن

همان گونه که در ابتدای بحث به آن اشاره شد برنامه ریزی شهری که قدمت آن به دیرینگی تاریخ بشری است در پی انقلاب صنعتی بویژه در اروپا اهمیت و ضرورت یافت. برنامه ریزی شهری از معماری منشعب شد. برنامه ریزی شهری از برنامه ریزی فیزیکی که جنبه های مهندسی و معماری زیر بناهای شهری-ساختمان سازی و خانه سازی و زیبا سازی شهری توجه داشت آغاز شد. نخستین شهر ساز و یا نخستین کسی هم که

¹ urban planning

به بیان اصولی در زمینه ی شهر سازی پرداخت شخصی بود به نام هیپوداموس که در حدود ۴۸۰ سال قبل از میلاد میزیست. از زمان شروع برنامه ریزی شهری به سبک جدید در میان قرن نوزدهم میلادی طرح نیز موضوع مورد توجه آن بوده است. بعد از جنگ جهانی دوم بخت و اقبال طرح نیز فروکش کرد و طرحها و برنامه های جامع مورد انتقاد شدید قرار گرفتند. به رغم دفاع های فصیح و مناسبی که از طرح میشد عمل و نظریه به سمت فرایند رفتند. به برنامه ریزان شهری توصیه شد به جای نگرش جامع نگاهی معتدل تر به مسائل داشته باشند. نظریه پردازان در ابتدا به تقسیمات و سپس به گفتگو و اقدامی ارتباطی تاکید کردند. این وضعیت به طور تناقض آمیزی در کنار این واقعیت قرار گرفت که بسیاری از پیشرفت ها در سال های اخیر نتیجه طرح ها بوده اند

سرچشمه های برنامه ریزی شهری مدرن، مورخان برنامه ریزی معمولاً سرچشمه برنامه ریزی مدرن را به طرح هوسمان^۱ برای پاریس در نیمه قرن نوزدهم میلادی نسبت می دهند. ولی میتوان گفت که شروع برنامه ریزی مدرن به اواخر قرن نوزدهم و شکل گیری جنبش هایی برای بهبود وضع مسکن و بهداشت شهری در آلمان- انگلستان و ایالات متحده آمریکا بر میگردد. اولین طرح جامع شهری که ادعا داشت به مسائل مورد توجه برنامه ریزان معاصر از قبیل مسکن-محیط زیست-ترافیک-شرایط اجتماعی و بهداشتی-طراحی شهری-تراکم زیر ساخت ها و جز اینها میپردازد به وسیله یک مهندس عمران به نام "اید فونس سردا"^۲ برای بارسلونا در سال ۱۸۵۹ میلادی ارائه شد. طرح او بر پایه تئوری شهر نشینی قرار داشت.

۳-۲- اهداف برنامه ریزی شهری

در برنامه ریزی شهری دو نوع هدف مشخص می شود:

- ✓ هدفهای کمی: بر اساس شاخص های عددی تعریف میشود و عموماً برای تحقق هدف های کیفی به کار میرود. تعیین هدف های کمی بر اساس امکانات و محدودیتها انجام میگردد.
- هدف های کمی شامل: محاسبه سرانه فضای سبز- فضای مسکونی- شبکه گذر گاهی و پیگیرهای فنی ساخت وسازها از نظر ایمنی- مصرف سوخت و انرژی و ...
- ✓ هدفهای کیفی: ممکن است شامل طیف وسیعی از هدف ها باشد. گروهی از این هدف ها کلی یا عمومی و گروهی اختصاصی یا ویژه هستند (زیاری، ۱۳۹۴: ۴۱)

^۱ haussman

^۲ Idfons cerda

الف) هدف های کیفی عمومی: ارتقای کیفیت زیست و معیشت شهری- جلب مشارکت مردم برای منافع جمعی- بهبود وضعیت ایمنی و امنیت شهروندان- فراهم آوردن شرایط بالندگی افراد در جامعه شهری- ارتقای فرهنگ شهر نشینی و... ب) هدف های کیفی ویژه: اینگونه هدف ها متناسب با مقتضیات ویژه هر شهر تعریف می شود. بخشی از این هدفها از عملکردهای غالب شهرها ناشی میشود برای مثال در شهرهای گردشگری^۱ برای جلب رضایت گردشگران اقدامها و آموزشهایی در جهت ارتقای مهارت حرفه ای شاغلان در این بخش انجام میگردد که این مساله به استقبال بیشتر مسافران و در نتیجه شکوفا تر شدن بخش گردشگری منجر میشود (شیعیه، ۱۳۹۰: ۳۹)

۴-۲- پیشینه برنامه ریزی شهری در ایران

در زمانهای گذشته در ایران مانند سایر نقاط جهان هنگام ساخت شهر ها به عوامل مختلفی توجه میشد که در مکانیابی یا احداث شهرها عوامل محیطی و جغرافیایی - دفاعی-سیاسی-اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی نقش تعیین کننده داشتند. میزان تاثیر گذاری عوامل محیطی و دفاعی در گذشته بیش از امروز بوده است. ایجاد شهرهای بزرگ در بین النهرین پیش از هزاره سوم قبل از میلاد پیشرفت مهمی در زمینه تمدن بوده است. به علت قرار گیری ایران در کمربند خشک و نیمه خشک کره زمین تامین آب مطمئن برای شهرها در مکانیابی-توسعه و فعالیتهای حیاتی جوامع شهری از مسائل مهم در زمینه شهرسازی بود. (پرهیزگار و دیوسالار، ۱۳۸۴: ۳۸) از دیگر موارد مهم رعایت اصول شهرسازی معمول ایرانیان در بنای شهرها بود که میتوان در این زمینه به شهر سیلک و اکباتان اشاره کرد. شهرها در دوره مادها نقاط سوق الجیشی پر اهمیتی بودند که بر سر راه های تجاری - نظامی بنیان و توسعه می یافتند. اهمیت و شکوه شهر سازی در دوره هخامنشیان و زمان داریوش بزرگ آشکار شد. ایران در زمان وی به بزرگترین وسعت خود دست یافت. شهر های شوش - بابل و اکباتان سه شهر بزرگ زمان هخامنشیان بوده که تخت جمشید یک موقعیت سمبولیک و راز گونه داشته است که این مجموعه از آغاز دارای یک طرح اندیشیده شده است که این تدابیر از شبکه آبیاری و فاضلاب زیر زمینی آن هویدا است. "شهر-معبد"- "شهر-قدرت" و "شهر-بازار" مفاهیمی هستند که شار پارسی با خود حمل میکند. (حبیبی، ۱۳۹۴: ۴۸) همچنین میتوان به نقشه های معماری و شهر سازی در زمان سلوکوس و نیز نیز به طرحهای دایره وار با نظم داخلی و شهرهای شطرنجی اشکانیان اشاره کرد. بررسی شهری مانند مرو به مثابه تحقیق در تاثیر عوامل نظامی بر روی شهر سازی پارتی است. فرم شهر شیز (تخت سلیمان) و شهر (شیز) باستانی نیز مدور است که از تجربیات شهر سازی اشکانیان تقلید شده است. با آغاز امپراطوری ساسانی شهر نشینی و

^۱ tourism

شهر سازی به اوج خود میرسد و شهرهای زیادی ساخته میشود. در این زمینه بنای ۱۰ شهر و ۳ بندر به اردشیر نسبت داده شده است. وی شهر مدور گور (فیروز آباد) را با تقلید از شهر مدور دارابگرد بنا نمود. در این دوره نظام شهری بر پایه نهادهای مختلف اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی شکل گرفت و طبقات چهار گانه موبدان- لشکریان و دبیران و پزشکان-دهقانان و صنعتگران در ساخت اجتماعی شهرها بوجود آمدند. در دوره ساسانیان تعصبات مذهبی افزایش یافت و تعداد زیادی آتشکده ساخته شد که بر اهمیت ترین آنها در شهرها ساخته شد که در برخی موارد موجب پیدایش و توسعه شهرهای بزرگ گردید. "وازاربد" یا "بازاربد" نیز از عناصر مهم شهر های این دوره میباشد. به صورت کلی ظهور شهرها در سده سوم میلادی نشانه ای از مرحله جدید تقسیم کار اجتماعی بوده است. اکثر جمعیت این شهرها کشاورز بودند و اهالی دژها و استحکامات شهرهای دفاعی نیز از کار کشاورزی منفک نبودند. فتح ایران در قرن هفتم میلادی (یکم هجری) سازمان اجتماعی و اقتصادی و مذهبی شهرهای ساسانی را به هم ریخت و مسلمانان در خارج شهر یعنی ربض مستقر شدند و ربض در مقابل کهندژ مورد توجه قرار گرفت و شارسستان شهر ساسانی از موقعیت برتری برخوردار شد (نظریان، ۱۳۹۵: ۴۴) در همین رابطه مفهوم منطقه شهری نیز پس از پیروزی اسلام مطرح شد. اصولاً جهان بینی اسلامی برای تحقق آرمانهای خود به شهر و شهرنشینی نیاز داشت و در نتیجه عمده ترین تغییرات را در نظام شهری ملاحظه میکنیم. شهرهای دوره اسلامی دو پایه اصلی داشتند: یکی مسجد جامع و دیگری بازار که در اطراف مسجد بطور خطی جای میگرفت. چه در دوران پیش از اسلام و چه بعد از آن نوعی جدایی گزینی بر اساس منزلتهای اجتماعی-سیاسی-اقتصادی-دینی و قومی در شهرها اعمال شده است. با تشکیل حکومت صفوی (همزمان با رنسانس) ملوک الطوائفی از میان برداشته میشود و نظام اقطاع و تیولداری فردی جای آن را میگیرد. بازار به عنوان عنصر مهم اقتصادی در نظام شهری جایگاه پر اهمیتی پیدا کرد. سیمای شهری ایران در عصر صفویه به دنبال ایجاد شبکه شهری بهم پیوسته ملی توسعه فیزیکی مطلوب یافته و مجموعه ها و عناصر شهری موجب تقویت عملکردهای شهری شد (رهنمایی و شاه حسینی، ۱۳۸۶: ۶۱)

در توسعه شهری همواره به پایتخت توجه شده لذا بسیاری از اقدامهای شهر سازی را از نظر تاریخی باید در پایتخت های سابق جستجو کرد. برای نمونه انتخاب تهران برای پایتخت قاجارها را باید نقطه عطفی در تاریخ توسعه شهری و شهرسازی دانست. با تاکید بر همان ویژگیهای سنتی یعنی پایتخت محوری نخستین تحولات در زمینه های شهر سازی در دوره ناصر الدین شاه انجام گرفت. تاثیر عوامل بیرونی در شهر سازی و سازماندهی فضاهای شهری را میتوان از دوره قاجار در تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور پیگیری کرد. از این رو تحولات شهر سازی و برنامه ریزی شهری در ایران بیشتر ماهیت برون زا دارد تا درون زا. قتل امیر کبیر نیز نقطه آغاز

بروز تضاد میان سنت و نوگرایی در میان هیئت حاکمه دوران قاجار بود. واضح است در شرایطی که حکومت نتواند پیشتاز گذر از سنت به نوگرایی باشد مردم از حکومت پیشی خواهند گرفت. تضاد میان حکومت و مردم مهم ترین عاملی بود که در انقلاب مشروطه تجلی یافت. با روی کار آمدن رضا شاه و تثبیت حکومت جدید که بر اساس سیاست های شهر محوری حرکت میکرد اقدامهای وسیعی برای دگرگونی چهره و عملکرد شهرها صورت گرفت. احداث شهرداریها-تصویب قوانین مرتبط با شهرها و جدا کردن مدیریت شهری از حکومت-اصلاح شبکه گذرگاهی برای روان شدن آمدورفت وسایط نقلیه موتوری-تامین امنیت عمومی از جمله امنیت شهرها-احداث بناهای دیوانسالاری جدید برای به نمایش گذاشتن اقتدار دولت مرکزی و تاسیس بنات های عمومی در کنار استقرار پادگانهای نظامی و صنایع در شهرها از جمله اقدامهایی است که در این دوره برای توسعه شهری و دگرگونی چهره و عملکرد آنها صورت گرفته است. با سرکوب ایلات و عشایر و برقراری امنیت نسبی و همچنین توسعه راههای ارتباطی امکان مبادله کالا میان شهرها افزایش یافت و جامعه شهری نسبت به جامعه روستایی امتیازات بیشتر و بهتری به دست آورد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۵۵)

۳- روش تحقیق:

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن تاریخی و توصیفی-تحلیلی است. بدین صورت که ابتدا از طریق مطالعه منابع کتابخانه ای، موضوع مورد نظر انتخاب و اطلاعات مورد نیاز از اسناد و مدارک مکتوب (کتاب، مجلات تخصصی، مقالات و ...) و نیز از اطلاعات شبکه جهانی (اینترنت) جمع آوری شده است.

۳- تجزیه و تحلیل:

یکی از موضوعات بسیار مهم در عرصه شهرسازی ایران، که تا به حال چندان وقعی به آن گذاشته نشده است، وجوب شفاف شدن مفهوم «شهر» در ایران است. اهمیت این امر بدان سبب است که مشخص شود منظور ما از «شهر» چیست، و در واقع، چیستی آن روشن گردد، آنگاه مشخص خواهد شد که مدیریت شهری، شهرسازی، نظام اجرایی در عرصه شهرسازی، نظام شهروندی و چه می توانند باشند (براتی، ۱۳۸۶: ۸؛ از جمله ن. ک. به پاکزاد، ۱۳۸۴: ۹۴-۱۰۴؛ اسماعیلی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۱۷-۱۲۹؛ فکوهی، ۱۳۸۳). مفهوم بنیادین و نظری شهر، ماهیت، چارچوبها، قلمروها، ارزشها و را در شهر مشخص خواهد کرد. به عنوان مثال، نظام مدیریتی و نظام شهرنشینی خاصی باید استقرار پیدا کند تا این مفهوم، به طور کامل، به منصفه ظهور برسد. از سوی دیگر اگر مفهوم شهر را جایگاه تعامل معقول حقوق و وظایف بخش عمومی و خصوصی تلقی کنیم و یا شهر را جایگاه توسعه و کمال یافتن «انسان» بدانیم، ساختارها و نظامهای خاصی لازم خواهند آمد و جهت گیری های

بخش - های مختلف را روشن خواهند نمود (براتی، ۱۳۸۶: ۸؛ کامروا، ۱۳۸۴: ۱۷ - ۱۸). بنابراین پیش از هر چیز باید بدانیم «شهر»، واژه ای که در زبان فارسی به کار می رفته و هنوز هم آن را به کار می بریم، در فرهنگ ایران چه معنایی داشته و با تأویل این واژه، به مفهوم شهر در ایران پی ببریم. «شهر» یک واژه فارسی است، ریشه در فرهنگ ایرانی دارد و با مفاهیمی چون **Burgh Polis, Urb, City** تفاوت‌های بنیانی دارد (اعتضادی، ۱۳۸۴: ۱۳۲؛ به فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۵ - ۲۸؛ براتی، ۱۳۸۲؛ امین زاده، ۱۳۸۴: ۵ - ۱۶). ریشه واژه شهر، «خشتر» می باشد که در طول دوران باستان (از ماد تا ساسانی) به تدریج به «خشته»، «نشتر» و نهایتاً شهر تبدیل گردیده است (پاکزاد، ۱۳۸۴: ۹۴؛ امین زاده، ۱۳۸۴: ۶؛ براتی، ۸؛ لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷؛ براتی، ۱۳۸۶: ۷؛ فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۸؛ اشرف، ۱۳۵۳: ۱۱). از نظر بسیاری از اندیشمندان ایرانی و غیر ایرانی، شهرستان (شارستان)، یا همان «شهر» در ادبیات کنونی، مفهومی قدسی و آسمانی بوده است. شاه چون دارای فره ایزدی بوده حاکم طبیعی جهانیان است، و شهر از آن اوست و به نظر میرسد اوست که شهر بنا به اراده اش ساخته میشود و یا مکان ساخته شده ای، به اذن او، به مقام شهر ارتقاء پیدا می کند (براتی، ۱۳۸۶: ۸؛ براتی، ۱۳۸۲: ۱۴؛ پاکزاد، ۱۳۸۲: ۲۹). در این نوع خوانش از «شهر» که آن را یک بهشت جاودانی دانسته و احتمالاً کسی قدرت برپا کردن آنرا نداشته است، یکی از موضوعات مهم تفسیر رابطه بین مردم و حکومت است که در مفهوم «شهروندی» متجلی می شود. آنچه از مطالعه مفهوم شهر در علم زبان شناسی و بررسیهای تاریخی برمی آید این است که با توجه به قرائت فوق از مفهوم شهر، شهر از دید ساکنان آن ابزار حکومت خداوند بر روی زمین به واسطه و از طریق شاه است و شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که در این صورت شهر که به خداوند و نماینده او بر روی زمین تعلق دارد به ساکنان آن متعلق نیست. اگر این فرضیه را بپذیریم به این نتیجه خواهیم رسید که ممکن است علت برخی از مشکلات اساسی ما در شهرنشینی امروز و عدم مشارکت مردم و همراهی آنها با مدیریت شهری در حل معضلات از همین نکته نشأت بگیرد (براتی، ۱۳۸۲: ۱۴؛ پاکزاد، ۱۳۸۲: ۲۹).

در سوی دیگر شهر غربی قرار دارد. شهری که در واقع ساز و کارها و برنامه های در نظر گرفته شده برای مدیریت آن به صورت وارداتی برای مدیریت شهرها در ایران مورد استفاده قرار گرفته است. مفهوم شهر غربی جز در دوره تمدن یونان و روم که در آن نقش شهروندان در مدیریت شهر و جبههای خاص به آن بخشیده بود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۶ - ۱۵؛ موسوی و حکمت نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۲؛ مک لوائین، ۱۳۷۷: ۱۶۹؛ سعیدی، ۱۳۸۸: ۷۲۵) تا پیش از رنسانس و علی الخصوص وقوع انقلاب صنعتی دارای ویژگی هایی نسبتاً مشابه با شهر ایرانی در همان دوران از جمله فقدان جایگاه شهروندی، حاکمیت اقلیت بر اکثریت و ... بود. حضور خانواده، نظامی

گری و اتکاء بر اقتصاد جنگی غنائم و حاکمیت شیوه تولید برده داری که ارزش اضافی عظیمی را از کار انبوه بردگان در قلمروهای کشاورزی و روستایی خارج از شهر به دست می آمد از یک سو و عدم تمایل قشر حاکم به گسترش عضویت افراد در انجمنهای نظامی و سیاسی و محدود کردن عضویت به عواملی چون خون و تبار و خویشاوندی امکان استقلال شهری و ظهور مقوله شهروندی را که از نظر «ماکس وبر» سنگ بنای وجود شهر است منتفی می ساخت. اما به یک باره مفهوم شهر در غرب از دوران انقلاب صنعتی به این سو تحولی بنیادین یافت. پس از انقلاب کبیر فرانسه نقش اجتماعی - سیاسی شهر اهمیت بیشتری پیدا کرد. دیگر شهر متعلق به یک حاکم، یک قشر، یک طبقه و یا عملکرد ویژه ای نبود. هر گونه تغییر، برنامه ریزی، و یا طراحی مستلزم رعایت منافع تمام اقشار، طبقات و فعالیت های گوناگون بود. شهر به تدریج شکل می گرفت، رشد می کرد، محیطی با فرهنگی نو، مناسباتی نو و امکاناتی نو به وجود می آمد (ربیع، ۱۳۸۳: ۲۴۳ از جمله ان. ک. به پیران، ۱۳۷۰: ۱۰۲ - ۱۰۷؛ وبر، ۱۳۶۹). باید گفت سیستم شهر در تمدن غرب و اروپا سیستمی درونگرا است که عناصر اصلی سیستم شهر یعنی جامعه، کالبد و مدیریت شهر به صورت متقابل با سایر عناصر در ارتباط و تبادل با سایر عناصر در ارتباط و تبادل اطلاعات و ارزشها هستند. در این سیستم، حاکمیت و اختیار و اقتدار سیستم ناشی از مردم است و مشروعیت خود را از مردم کسب می کند. منابع مالی و مادی مورد نیاز برای تامین اهداف سیستم از درون خود سیستم و از مردم به صورت مالیات و عوارض و یا سرمایه گذاری آنها در خدمات و طرحهای شهری تامین می شود. با توجه به نظام دموکراسی حاکم بر این جوامع، بین منافع فردی و جمعی نوعی سازش دینامیک و پویا به وجود آمده است که نتیجه آن مشارکت و دلسوزی مردم نسبت به شهر و سرنوشت آن است (کامروا، ۱۳۸۴: ۶۶؛ از جمله ن. ک. به رفیع پور، ۱۳۸۷). مفهوم شهر در ایران در دوران معاصر نیز هرگز روشن نبوده است. آنچه قبل از انقلاب بیشتر به چشم می خورد تفسیری مستبدانه و فرمایشی از مدرنیسم در شهرسازی، شهرداری و شهرنشینی بود و نظر این بود که این مفاهیم، به عنوان مفاهیم جهانشمول و غیرقابل اجتناب، می باید وارد شده و به هر ترتیبی استقرار یابند (براتی، ۱۳۸۶: ۸؛ از جمله ن. ک. به یزدانی و پور احمد، ۱۳۸۶: ۲۹-۵۲؛ حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۴۹-۱۹۱؛ مجتهد زاده، ۱۳۸۷: ۹۶-۱۲۵؛ ربیع، ۱۳۸۳: ۲۴۲ - ۲۴۶). خطای آشکار در این شیوه تفکر آن بود که اینگونه استنباط می شد می توان، به صورت انتخابی، برخی از جوانب مدرنیسم را در شهرسازی وارد کرد و از بقیه چشم پوشید. تهیه طرح های جامع از سال ۱۳۴۵ ه.ش به بعد بر اساس سیاست های آمرانه و از بالا به پایین، جهت تشویق مهاجرت به شهرها و تعمیق مدرنیزاسیون را می توان نتیجه این رویکرد دانست (براتی، ۱۳۸۶: ۸؛ از جمله ن. ک. به حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۹۱-۲۰۳؛ دهقان، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۴؛ کامروا، ۱۳۸۴: ۳۴؛ احمدیان، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۸). تضادی که هرگز اجازه نداد مدرنیسم غربی به

طور کامل در شهرسازی ایران، همانگونه که در غرب پیاده شده بود، تحقق یابد (براتی، ۱۳۸۶: ۹). این شرایط پس از انقلاب، دچار پیچیدگی مضاعفی گردید؛ زیرا در حالیکه هیجان انقلابی بر اراده حاکمیت جدید در جهت مقابله با غرب و غرب گرایی حکمفرما بود، به واسطه عدم توجه به ماهیت و نقش شهر در تقویت یا تضعیف نظام سیاسی، شهرسازی به روش شبه غربی همچنان تداوم یافت. این در حالی است که شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تغییر کرده بود و انتظارات کاملاً تازه و بی سابقه ای مطرح گردیده بود. مع الاسف، در آن برهه حساس از تاریخ، کسی به این نکته کلیدی و مهم توجه ننمود که عدم ارائه یک تعریف جامع و مانع از «مفهوم جدید شهر» و نیز عدم توجه به این موضوع زیربنایی که فرهنگ و تمدن در طول یکدیگر قرار دارند و نه در عرض هم. از این رو بعدها مشکلات پیچیده ای در پیش روی جامعه قرار گرفت (براتی، ۱۳۸۶: ۹). این شد که روشها و شیوه های برنامه ریزی، طراحی و مدیریت شهرها در غرب که برای آن جامعه با ویژگی ها و مختصات خاص خودش به کار گرفته می شد، بی هیچ فکر و تعقلی و بدون توجه به ظرف جامعه ایرانی، در ایران به صورت یک گزیده برداری ناقص و کپی کاری غیرحرفهای پیاده شد. با شروع جنگ تحمیلی هشت ساله اصولاً مقوله برنامه ریزی به طور اعم و برنامه ریزی و مدیریت شهرها به طور اخص به فراموشی سپرده شد و افسار توسعه شهرها رها شده و فضای کالبدی آنها در تضاد با فضای ذهنی - فرهنگی حاکم بر جامعه رشد و توسعه پیدا کرد (براتی، ۱۳۸۶: ۹؛ از جمله ن. ک. به کامروا، ۱۳۸۴). در این دوران به علت اولویت یافتن نیازهای جنگ، امکانات و منابع به طور غالب برای تامین نیازهای جبهه ها اختصاص پیدا کرد و همین امر موجب کاهش توجه به ساختارهای شهری و مسائل آنها شد. همچنین باید اضافه کرد که نظام برنامه ریزی کشور در دهه ۶۰ تحت الشعاع تفکر «مقطعی دیدن» و بخشی نگری قرار گرفت؛ زیرا امکان پیش بینی آینده وجود نداشت و کارها و تصمیم گیری ها با تردید همراه بود. در این دوره نظام شهرسازی و ساماندهی شهری بر طرح جامع متکی شد؛ همین امر باعث گردید بسیاری از تفکرات، روش ها و رویکردهای جدید شهرسازی اصولاً وارد ایران نشود (براتی، ۹: ۱۳۸۶؛ احمدیان، ۱۳۸۳: ۱۵۳؛ از جمله ن. ک. به حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۰-۱۲؛ لطیفی، ۱۳۸۴: ۱۴۶-۱۵۵؛ کامروا، ۱۳۸۴: ۱۰۶-۱۲۶). برای کشف معنا و مفهوم شهر در این دوره می بایست منابع متعددی چون قوانین اساسی، عمومی و خصوصی، نظام ارزشی - ایدئولوژیک و سیاسی حاکم، نظریات فلسفی، نظام مدیریتی، تجربیات دیگر کشورها، نظریات و مکاتب شهرسازی، تجربیات گذشته تاریخی ملی و فراملی، منابع تاریخی، نظرسنجی از صاحب نظران و ساکنان و ... را مورد توجه و استفاده قرار داد (براتی، ۹: ۱۳۸۶؛ براتی و دیگران، ۱۳۸۲: ۸۶-۸۹) معنا و در اینجا معنای شهر، شهرداری، شهرنشینی و ... به اعتقاد میشل فوکو می باید از درون جامعه و فرهنگ آن، جستجو و کشف گردد. در مورد معانی و

مفاهیم می توان ادعا کرد که در واقع این معنا» است که پس از گذشتن از لایه های متعدد، و از طریق زبانی نمادین، با سود جستن از ابزارها و مواد و مصالح مادی، در شهر، قابلیت نمایش و ادراک پیدا کرده و تحقق فیزیکی می یابد. ولی در عین حال زبان و فرهنگ، خود، نقشی تعیین کننده در این فرایند و به ویژه ادراک محیط، دارند (براتی، ۱۳۸۶: ۱۰؛ از جمله ن. ک. به جمالپور، ۱۳۸۴: ۴۵-۵۴).

امروز باور اکثریت اندیشمندان در حوزه هایی چون علوم ارتباطات، زبانشناسی و روانشناسی محیطی بر این است که معانی برگرفته و دریافت شده از محیط، به واقع، در درون خود انسان و نه در محیط و اجزاء آن، قرار دارند و این انسان است که به محیط اطراف خود معنا می دهد. از سوی دیگر، شهرسازی را در معنای وسیع آن می توان یک فرایند اجتماعی دانست؛ زیرا در شهرسازی، به معنای واقعی کلمه، شهر، که خود حاصل نیازها، هنجارها، گرایشها و ارزشهای اجتماعی است، از طریق نهادهای مختلف اجتماعی به رفع آن نیازها و پاسخگویی به آن گرایش ها می پردازد (براتی، ۱۳۸۶: ۱۰؛ از جمله ن. ک. به حبیبی، ۱۳۹۴؛ کامروا، ۱۳۸۴). اگر بخواهیم شهر، شهرسازی، شهرداری و شهروندی در ایران را با چند صفت مشخص توصیف کنیم، بدون شک یکی از مهمترین اوصاف آن «ابهام» است. امروزه در هیچ منبع موثقی، از منابع حقوقی گرفته تا منابع سایر علوم، به ویژه منابع علمی و فنی منتسب به رشته و حرفه شهرسازی، هیچ تعریف واحد و مشخصی از عناوین فوق وجود ندارد (براتی، ۱۳۸۶: ۱۰؛ از جمله ن. ک. به ادیبی، ۱۳۵۵: ۲۲-۳۳؛ بهرامی نژاد، ۱۳۸۳: ۶۳) این در حالی است که تمامی گفته ها، نوشته ها، تحقیقات، تصمیمگیریها، تصمیم سازیها، برنامه ریزیها و طراحی های ما، در مورد شهر و برای شهر، می باید از یک مبنای مفهومی درست، کامل و قابل اتکا، که مورد پذیرش عموم هم باشد، برخوردار باشد (براتی، ۱۳۸۶: ۱۰؛ برای نمونه ن. ک. به پیران (الف)، ۱۳۸۴: ۳۵۵۵؛ پیران (ب)، ۱۳۸۴: ۵۶-۵۹؛ ترابی، ۱۳۸۴: ۱۰۵-۱۱۶؛ اطهاری، ۱۳۸۳: ۵۱-۵۲). برای دستیابی به مفهوم شهر در زمان حاضر می بایست به ردیابی اتفاقات و رویدادهای مرتبط با عرصه شهر و شهرسازی پرداخت. با شروع ساخت شهرهای به اصطلاح «جدید»، جامعه ما وارد پایه و سطح دیگری از معضلات شهر و شهرنشینی خود شد (از جمله ن. ک. به شیعه، ۱۳۸۳: ۶-۲۱) شهرهای قدیمی به ارث رسیده از گذشته دور و نزدیک، و روستاهای کهنی که شبانه به شهر تبدیل می شدند، برخی مفاهیم استوار و ریشه دار را با خود داشتند؛ ولی شهرهای جدید از این موهبت نیز برخوردار نبودند. این شرایط تا آنجا پیش رفته است که امروزه می توان ادعا کرد که: "عادت کردیم به نام و واژه بسنده کنیم. به نام شهر" عادت کرده ایم و از آنچه شهر باید باشد در گذشته ایم، شهر جایگاه انسانی متمدنی بود که خواهان آگاهی، آزادی و رستگاری هم بود. شهر مکان و تجلی گاه حضور شعور ماست شهر مکان گشایش فکر است و شعف خاطر" (براتی، ۱۳۸۶: ۱۱؛ حائری، ۱۳۸۳: ۱۱). شاید بتوان گفت

"شهر" چیزی نیست جز "فضای زیست انسان، و فضا چیزی نیست جز «حضور»، حضور انسان به شکل کامل، آزادانه و آگاهانه. زیرا شهر مایه و پایه انسان اجتماعی شدن» است (براتی، ۱۳۸۶: ۱۱). از همین رو بسیاری از اندیشمندان محیط زیست انسانی مانند جین جاکوبز، هانری کوکس، لوئیس مامفورد و دیگران از شهرهایی تهی که مفهوم و ماهیت آنها قلب شده است سخن به میان آورده اند (برای نمونه ن. ک. به حبیبی، ۱۳۷۹؛ اسماعیلی و دیگران، (۱۳۴ - ۱۱۷: ۱۳۸۴) از جمله خلط معانی صورت گرفته در کشور ما آن است که اصولاً عبارت شهرسازی که در ایران متداول است، خود مفهومی غریب و شاید بتوان گفت انحرافی بوده است. باید توجه کنیم که این عبارت مترادف با هیچ یک از اصطلاحات متداول در دنیا نیست؛ اصطلاحاتی چون *Spatial Planning*، *City Development Urban Planning*، *City Planning*، شهر پدیده ای است که در طول زمان شکل گرفته و تغییر می کند و تنها می توان آنرا یک پدیده به حساب آورد که در واقعیت، ساختن آن، مثل یک ساختمان غیرممکن است. واژه شهرسازی هیچ گونه رابطه منطقی با پدیده هایی چون شهر، شهرنشینی، مدیریت شهری و یا شهروندی در عصر حاضر و همین طور مقوله های برنامه ریزی و طراحی شهری ندارد. اما با این حال در ایران انتخاب واژه «شهرسازی» و به تبع آن «وزارت مسکن و شهرسازی» و «رشته شهرسازی» و ... گویای این واقعیت است که درک از مفهوم شهر در جامعه ما معادل پدیده ای «قابل ساخت و ساختگی» است. یعنی یک کالا، مصنوع، محصول یا چیزی که می توان آن را ساخت. پس چه جای تعجب دارد که مفهوم شهر در کشور ما در ذهن عوام با کار و ساختن و در ذهن خواص نهایتاً با کار مهندسی یکسان باشد؟ (براتی، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۲؛ ربیع، ۱۳۸۳: ۲۴۳)

۱-۳- بررسی وضعیت مفهوم شهر در دوران های مختلف تاریخی

پس از ورود آریائی‌ان به ایران و استقرار مادها در غرب فلات ایران، به تدریج مولفه های اصلی زندگی شهر ایرانی هویدا گردید. پیدایش و تکامل «ده - دژ» مادی را می توان پیش نمونه شهر آرمانی ایرانی دانست که بعدها در سیر تکاملی خود به شکل مسلط شهر ایرانی مبدل گردید. در بافت دوگانه این استقرارگاه، رعایا در ده و حکام در دژ میزیستند. شهر در این الگوی دو بخشی - که بعدها در نتیجه پیشرفت تقسیم کار اجتماعی و رشد مناسبات اجتماعی به یک الگوی سه بخشی در دوره ساسانی تکامل یافت - پایگاهی برای دربرگیری نهادهای دینی و قدرت سیاسی مسلط جامع و تجلی گاه وحدت هر سه جامعه عشایری، روستایی و شهری شد (یوسفی فر، ۱۳۸۵: ۲۷۱؛ از جمله ن. ک. به حبیبی، ۱۳۹۴؛ پاکزاد، ۱۳۹۰: ۱۷ - ۳۴؛ گریشمن، ۱۳۵۵). اصلی ترین کارکرد شهر مادی، سازماندهی مناسبات اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی در پیرامون قلمرو خود متشکل از دژ و سایر عناصر مهم زندگی اولیه شهری بود. شهر هخامنشی در تداوم سیر تکامل شکلی -

اجتماعی و کارکردی شهر مادی، به تدریج معنایی منطقه ای به خود می گیرد و در پیوندی منطقه ای و چند سویه با روستاهای اطراف از آنها هویت می گیرد و به آنها هویت می بخشد. این امر وحدت اجتماعی کار و نطفه یابی تشکیل فضای بازار در شهر به عنوان محل داد و ستد و مبادله کالا را موجب می گردد (حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۲؛ یوسفی فر، ۱۳۸۵: ۲۷۲؛ از جمله ن. ک. به پاکزاد، ۱۳۹۰: ۴۷-۶۴). در دوره سلوکیان برای نخستین بار امتزاج فرهنگ شرق و غرب در قالب شهر تبلور پیدا کرد و بر آن بود تا هم هاله ای باشد از شهر - دولت «هلنی و هم سایه ای باشد از «شهر - قدرت» پارسی حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۹؛ یوسفی فر، ۱۳۸۵: ۲۷۲؛ از جمله ن. ک. به پاکزاد، ۱۳۹۰: ۸۵-۱۰۰). در دوره اشکانیان نیز رجوع به سازماندهی دولت هخامنشی و تلاش برای باز تولید شیوه تولیدی کهن، موجب حذف نابرابری های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایجاد شده در دوره قبل و الغای فرمان خودفرمانی شهر - دولتها و نهایتا بازگشت به مفاهیم سرزمینی گردید (حبیبی، ۱۳۹۴: ۲۱-۲۴؛ یوسفی فر، ۱۳۸۵: ۲۷۲؛ از جمله ن. ک. به پاکزاد، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۱۲۰). شهر در دوره ساسانی نیز در هماهنگی با گرایش کلی حاکم بر روندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه رشد یافت و الگویی تکامل یافته از ده- دژ مادی را ارائه داد یوسفی فر، ۱۳۸۵: ۲۷۳). پس از ورود اسلام به سرزمین ایران، تحولات عمیقی در همه ابعاد زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایرانی به وجود آمد و آموزه های اجتماعی و فرهنگی اسلام موجب ایجاد تحرک در بین طبقات اجتماعی و کنار زدن موانع ذهنی و اجتماعی طبقات فرودست جامعه شد. در این دوران که از قرن هفتم میلادی آغاز می گردد، گفتمان «مدینه اسلامی» یا شهر اسلامی بر مناسبات شهری ایران سیطره داشت. در واقع مشخصه اصلی شهر اسلامی در این دوره، نقش سیاسی و دینی آن بوده است؛ کارکرد دینی شهر در کالبد «مسجد جامع شهر تجلی می یافت و بازار» جایگاه کالبدی کارکرد اقتصادی و مهمترین معیار در تمیز شهر از غیر شهر در جوامع اسلامی بود (یوسفی فر، ۱۳۸۵: ۲۷۴). همچنین دگرگون سازی ارزشها و مناسبات اجتماعی که در نتیجه تعالیم و آموزه های عدالت خواهانه اسلام بود، منجر به تغییر در الگوی فضایی پیشین شد و «جدایی گزینی مکانی» جای خود را به «الگوهای فضایی مبتنی بر برابری خواهی اجتماعی» داد. در سده های میانه (قرون وسطی شهر در واقع با برعهده داشتن نقش و کارکردهای سیاسی - اداری و انتظامی در امتداد و ارتباط خواست حکومتها برای برقراری نظم سرزمینی عمل می کرده است. شهر در این دوره به علت وجود روابط سلطه آمیز و غیر مدنی که با تکیه بر ساختار و مناسبات اقتصادی - اجتماعی از طریق نهادهای حکومتی اعمال میشد، زمینه های لازم و ضروری برای رشد خودمختاری را از دست داد؛ ولی با این حال بقا و استمرار شماری از زیرساختهای کهن مناسبات اجتماعی - اقتصادی در شهر ایرانی که بازمانده از مناسبات تولیدی و سنتهای کهن ایران در دوران زمان ساسانیان بوده موجب گردید

تا وجه ایرانی بودن» شهرها همچنان متمایز از سایر ممالک اسلامی باقی بماند. همچنین در این دوره به تدریج با تکامل مناسبات اجتماعی - اقتصادی در شهرها، روند تقسیم ار اجتماعی گسترش یافت و همین موضوع منجر به ایجاد تحولات کالبدی- فضایی در شهر شد و نقش بازار به عنوان محل داد و ستد کالا بیش از پیش پر رنگ و حیاتی گردید. همین امر موجب استقرار بخش بازرگانی» یا «تجاری» در شهرها گردید. به علت گستره وسیع و سودآور فعالیتهای بازرگانی برای اولین بار علاقه به مشارکت حکومت با بازرگانان در جهت تحصیل منافع اقتصادی مطرح شده و انتفاع مستقیم و اصلی حکومت به شکل اخذ مالیات ها و عوارض مختلف از پیشه وران و بازرگانان محقق شد (یوسفی فر، ۱۳۸۵: ۲۷۷ - ۲۸۱).

۴- نتیجه گیری:

از مهمترین چالش زمینه ای فراروی برنامه ریزی و مدیریت شهرها در ایران، فقدان شهر و نیز فقدان نظریه پایه تعریف «شهر» در ایران است. برخی از صاحب نظران چون پرویز پیران در پی غور و تفحص در منابع کهن بر این عقیده هستند که سکونتگاه هایی که در ایران در طول تاریخ به عنوان شهر شناخته می شده، هیچگاه واجد و حائز ویژگیهای شهر (City) در مفهوم واقعی خود، آنگونه که ماکس وبر در نظریه شهر خود می گوید، نبوده است و در واقع به قول ماکس وبر، ایجاد شهر جز در اروپای غربی امری است که نیاز به تحقیق فراوان دارد. پیران بر این باور است که بهتر است به جای تلاش نافرجام برای بحث و بررسی پیرامون مفهوم شهر، به دنبال نظریه بومی و برآمده از ویژگی های ذاتی و درونی جامعه ایران بود. از این رو وی نظریه آبادی را جانشین نظریه شهر در ایران معرفی کرده و اعتقاد دارد شهر در ایران وجود نداشته و آبادی تصویر واقعی تری از سکونتگاه های موسوم به شهر در ایران است. پیران برای ادعای خود مبنی بر فقدان شهر در ایران معتقد است نادرستی تاکید بر مسجد جامع و نقش نظم آفرینی آن به بازار و نیز برداشت غلط از محله به عنوان جانشین کامیونیتی خود موضوعیت تضاد روستا از شهر در ایران را به زیر سوال برده و آن را نقض می کند. از این رو در ایران هیچ تفاوت ماهوی میان شهر و روستا وجود ندارد. از سوی دیگر بنابر شریعت اسلام هیچ تفاوتی میان سکونتگاه های مختلف وجود نداشته و به طور مثال قریه که در برداشت امروزی معادل روستا به شمار می رود در قرآن به معنای جایگاه زیست مردمان ذکر شده است، خواه روستا باشد، خواه شهر و خواه کلانشهر. بنابراین باید گفت شهر در ایران به آن معنایی که ماکس وبر در نظریه شهر» خود مطرح کرده و راهنمای اروپا و غرب برای شکل دادن به نظام شهری، شهرسازی و مدیریت شهری خود بوده در ایران وجود نداشته است. از این رو ترجمه و به کارگیری اصول و روش های شهرسازی و مدیریت شهری غرب در ایران، که سکونتگاه های آن شهر به مفهوم غربی کلمه شمار نمیروند، خطایی بزرگ محسوب می شود. با این وجود هنوز پس از

۴۳ سال از پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن حکومتی اسلامی که همراه شعار ارائه الگوهای ایرانی - اسلامی برای حل مسائل و معضلات جامعه می دهد، هیچ نظریه ای در باب شهر ایرانی - اسلامی و چگونگی نگاه به مقوله شهر تدوین نگردیده و شهر که امروز در بسیاری از جوامع موتور توسعه به شمار می رود در محاق غفلت و بی تفاوتی متولیان آن هر روز به سوی انحطاط بیشتر پیش می رود.

۶- منابع و ماخذ:

۱. پرهیزگار، اکبر و دیو سالار، اسدالله (۱۳۸۴)؛ بوم شهر و آثار آن در توسعه ی پایدار شهر های ساحلی "مطالعه موردی شهر ساحلی بابلسر"، جغرافیا و توسعه ناحیه ای شماره، مجله دانشگاه فردوسی مشهد
۲. حبیبی، سید محسن (۱۳۹۴)؛ از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران
۳. رهنمایی، محمد تقی و شاه حسینی، پروانه (۱۳۸۶)؛ فرایند برنامه ریزی شهری ایران، انتشارات سمت
۴. زیاری کرامت الله، (۱۳۹۴)؛ اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد
۵. شیعه، اسماعیل (۱۳۹۰)؛ مقدمه ای بر برنامه ریزی شهری، انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۶. مجتهد زاده، غلامحسین (۱۳۸۹)؛ برنامه ریزی شهری در ایران، انتشارات پیام نور
۷. نظریان، اصغر (۱۳۹۵)؛ جغرافیای شهری ایران، انتشارات پیام نور
۸. یوسفی، فر (۱۳۸۵)؛ بررسی ویژگی ها و مولفه های تاریخی مفهوم شهر در سده های میانه تاریخ ایران، مجله فرهنگ، شماره ۶۰ صص ۲۶۳ - ۳۰۴
۹. براتی، ناصر (۱۳۸۲)، نگاهی نو به مفهوم شهر از نظرگاه زبان و فرهنگ فارسی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۳، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۱۰. براتی، ناصر (۱۳۸۶)، چالش های رودرروی شهرسازی ایران در آستانه قرن ۲۱، فصلنامه باغ نظر، شماره ششم، صص ۵ - ۳۰.
۱۱. براتی و دیگران (۱۳۹۰)، روش تحقیق در مطالعات محیطی، مخصوص دانشجویان معماری و شهرسازی، انتشارات دانشگاه بین المللی امام خمینی، در دست چاپ.
۱۲. براتی، ناصر و ثامن، امیر و سلیمان نژاد، محمدعلی (۱۳۹۰)، ضرورتها و الزامات مدیریت یکپارچه شهری در کلانشهر تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، تهران.
۱۳. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۴)، تاملی بر مفهوم شهر در ایران، فصلنامه اندیشه ایرانشهر، شماره ششم، صص ۹۴-۱۰۴.
۱۴. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۲)، بررسی تطبیقی شهرهای ایرانی و اروپایی برای ریشه یابی موانع تاریخی مشارکت مدنی، فصلنامه صفا، سال سیزدهم، شماره ۳۷، صص ۲۵ - ۴۲.

۱۵. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۰)، تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار، انتشارات آرمانشهر، تهران.
۱۶. پیران، پرویز (۱۳۸۴)، (الف) نقد، پرسش و پاسخ، فصلنامه اندیشه ایرانشهر، شماره ششم، صص ۳۵-۵۵.
۱۷. پیران، پرویز (۱۳۸۴)، (ب) نظریه آبادی جانشین نظریه شهر، فصلنامه اندیشه ایرانشهر، شماره ششم، صص ۵۶-۹۲.
۱۸. پیران، پرویز (۱۳۸۸)، (ب) مدخل جامعه مدنی، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، زیر نظر عباس سعیدی، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریها کشور، صص ۳۰۸-۳۱۱.
۱۹. پیران، پرویز (۱۳۸۸)، (ج) مدخل شهروندی، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، زیر نظر عباس سعیدی، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریها، تهران، صص ۵۶۷-۵۷۴.
۲۰. پیران، پرویز (۱۳۸۱)، اداره مردمی شهرها و ضرورت آن در ایران، مجله معماری و فرهنگ، سال دوم، شماره ۶۵ صص ۴-۷.
۲۱. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، انسان شناسی شهری، نشر نی، تهران.
۲۲. ربیع، علیرضا (۱۳۸۳)، شهرسازی و عدالت اجتماعی علل فرسایش بافت های سنتی، مجموعه مقالات همایش بررسی مسائل شهری ایران، جلد دوم (مدیریت شهری)، شیراز، صص ۲۴۰-۲۵۶.